

بررسی نقش و رسالت مادران در تربیت دینی دختران؛ باتوجه به آیات و روایات

زینب جهانیان*
فاطمه افراسیابی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

چکیده

در اسلام بر نقش و رسالت زن در تربیت دینی فرزندان به خصوص دختران که از روحیه بسیار لطیفی برخوردار هستند بسیار تأکید شده است، آن قدر تربیت فرزند مهم است که قرآن کریم در سوره‌های بسیاری به آن اشاره کرده است و خداوند بخش عظیمی از این رسالت بسیار مهم را بر عهده زن گذاشته است تا مقام او را مورد تکریم قرار دهد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، استناد به آیات قرآن و روایات، در صدد است تا اهمیت جایگاه زن و نقش وی را در تربیت دینی فرزند دختر را مورد بررسی قرار دهد. به این نتایج دست یافته است که اولاً، جایگاه مقام زن به عنوان مادر بودن از دید اسلام بسیار بالاست. ثانیاً، زنان شایسته تأثیر بسزایی در تربیت الهی و دینی فرزندان شایسته، بخصوص دختران صالح و انقلابی دارند؛ زیرا مادر با دختر و جوه اشتراک فراوانی دارد که موجب اثرپذیری بیشتر دختر می‌شود. ثالثاً، تربیت دینی از مهم‌ترین رسالت‌های زن نسبت به فرزند دختر خود است و همین تربیت دینی می‌تواند زمینه‌ساز تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی، تربیت جسمی، تربیت جنسی و ... باشد.

کلیدواژه‌ها: مادر، دختر، تربیت، تربیت دینی، عفت

* دانش‌آموخته مدرسه تخصصی سطح سه مصومیه نهاوند / f.afraasiaby1356@gmail.com

** دانش‌آموخته مدرسه علمیه مصومیه / همدان / zeinab8074zm@gmail.com

مقدمه

تربیت انسان از موضوعاتی است که همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده است؛ زیرا نقش اساسی در رشد و تعالی فرد و جامعه دارد. این نقش چنان برجسته و انکارنشدنی است که برخی گفته‌اند انسان بودن، انسان در گرو تربیت اوست. «شناخت خداوند و ایمان به خدا که در روایات از آن به «معرفه الله» تعبیر می‌شود، سنگ بنای اسلام و از ارزش‌های بر خوردار است. پیامبر ﷺ شناخت و معرفت خدا را از برترین عمل‌ها به شمار آورده است: افضل العبادۃ العلم بالله؛ برترین عبادت شناخت خداوند است.» (برقی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۹۱) امیرالمومنین علیه السلام نیز می‌فرماید: «معرفه الله سبحانه اعلى المعارف؛ معرفت به خدا والاترین معرفت است» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲-۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۵۵). از این رو، مهم‌ترین هدف تربیت اسلامی آن است که افراد را با خدا آشنا کرده و اعتقاد آنان به خداوند متعال را پرورش دهد. پیامبر ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام به عنوان بزرگ‌ترین مربیان دینی، همین هدف را دنبال می‌کردند و سراسر زندگی آنان وقف هدایت مردم به سوی خداوند بود امروز قلمروهای تربیت و عوامل اثرگذار بر آن از مرزهای سنتی فراتر رفته است و افزون بر خانواده، عناصر دیگری از جمله رسانه، مدرسه، روابط اجتماعی و مانند آن بر فرزندان اثر فراوانی بر جا می‌گذارند. با این حال، میزان اثرگذاری خانواده به ویژه مادر بر فرزند بر هیچ کس پوشیده نیست. مادر، یگانه نقش اساسی را در شکل دهی به شخصیت فرزند ایفا می‌کند. این نقش چنان گسترده و حیاتی است که حتی پیش از تولد کودک را نیز در برمی‌گیرد. دوران



کودکی، مهم‌ترین مرحله رشد کودک به شمار می‌رود که در آن، عواطف عمیق مادرانه در شکل‌گیری شخصیت فرزند دختر، نقش بزرگی دارد.

روان‌شناسان بر این باورند که کودکی، مهم‌ترین مرحله یا تنها مرحله شکل‌گیری شخصیت است و مادر نیز اثرگذارترین فرد در فرایند تربیت کودک است و به یقین برای جلوگیری از آسیب‌های ناخواسته تربیتی که از عوامل کنترل‌ناپذیر برونی در مراحل دیگر رشد به‌ویژه دوره نوجوانی و جوانی برمی‌خیزند، ایمن‌سازی شخصیت کودک در برابر این آسیب‌ها، حساسیت نقش مادر را در موفقیت و پیشرفت فرزند دختر دوچندان می‌کند. افزون بر آن، دوام یافتن نقش مادر را در فرایند تربیت فرزند دختر در دوران حساس نوجوانی و جوانی کاملاً پوشش می‌دهد. هدف از خلقت انسان، بسیار عالی و رسیدن به آن هدف، با مشکلات و موانع بسیاری همراه است. از این رو، تعلیم و تربیت از ضروری‌ترین مسائل انسانی است تا از این راه، زمینه رشد و تکامل همه‌جانبه انسان فراهم گردد. همه ادیان الهی و مکتب‌های مادی اهمیت این امر را تأیید کرده و تا آنجا که توانسته‌اند، بر اساس معیارهای ارزشی خود، برای کارایی نظام تعلیم و تربیت کوشیده‌اند. آیین مقدس اسلام نیز به‌عنوان کامل‌ترین دین، بهترین دستورها و برنامه‌ها را برای تکامل جسمی و روحی انسان آورده و همواره کوشیده است تا بشر را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون سازد. درباره تربیت فرزند دختر و عوامل مؤثر در آن، راه‌کارهای مهمی در متون اسلامی آمده است که عمل به آنها در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان نقش بسزایی دارد. در بسیاری از آیات و روایات و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام، شیوه‌های تربیت عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزند، به روشنی بیان و در هر مورد راهکار مناسبی نیز ارائه شده است که توجه به آنها در چگونگی



تربیت فرزند بسیار مفید است و پرداختن به این موضوع از این جهت ضرورت دارد که تربیت دینی اهمیت بسیاری دارد و تأثیر آن بر دیگر تربیت‌های فرزند زیاد است، بخصوص فرزند دختر که از حساسیت زیادی برخوردار است باید به تربیت دینی وی بسیار اهمیت داد. هدف از پژوهش حاضر این است که بفهمیم، نقش و رسالت زن در تربیت دینی فرزند دختر از نگاه آیات و روایات چگونه است؟

پیشینه تحقیق

۱- در مقاله «بررسی نقش الگوی تربیت والدین در تربیت دینی فرزندان»، از جوادآقا محمدی (۱۳۹۲)، نقش تربیت والدین و تأثیر آن بر فرزندان را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله، از تأثیر مستقیم نگرش دینی والدین بر تربیت دینی فرزندان و رعایت آداب دینی از سوی والدین، ساده‌زیستی، سطح سواد والدین و ارتباط آن با تربیت دینی فرزندان را به طور کامل مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- در مقاله «طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان»، از جوادآقا محمدی (۱۳۹۵)، با کمک گرفتن از آیات قرآن و نظر مدرسان دانشگاه در حوزه آموزش خانواده و مصاحبه نیمه ساختار یافته، به بررسی هشت مولفه اصلی خانواده شایسته و صالح که در تربیت دینی فرزندان موثر است می‌پردازد. این هشت مولفه عبارتند از: دین‌داری، علم و دانش، معرفت و بصیرت، تعهد و مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری و حق‌طلبی، اعتدال و میانه‌روی، تعظیم شعائر اخلاقی و الهی، و نیز بهداشت

جسمانی و روانی می باشد

۳- در مقاله «بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزند پیش از تولد در اسلام»، از اعظم محمدزاده (۱۳۹۹) و دیگران، در مورد مهم ترین عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی فرزندان پیش از تولد را مورد بررسی قرار می دهد و در مورد عوامل مختلف ژنتیکی، وراثتی و محیطی از آغاز شکل گیری نطفه و تأثیر آن بر تربیت دینی فرزندان را به طور کامل مورد نقد قرار می دهد.

این پژوهش ها به صورت کلی تأثیر والدین را بر تربیت دینی فرزندان از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار داده اند، ولی در پژوهش حاضر به طور جزئی در مورد نقش و رسالت زن در تربیت دینی فرزند دختر از نگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار داده می شود.

الف. مفاهیم

۱. تربیت: از ماده «ربو» و در لغت به معنای زیادت، زیاد شدن، رشد و نمو کردن (قرشی بنایی، ۱۳۰۷، ج ۳، ص ۴۸)، فضل و زیادت (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۷)، افزون شدن، فراتر رفتن (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴۰)، زاد و نما (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۴)، زیاد شدن از نظر عدد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۴)، افزونی بر سرمایه (خسروی حسینی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰)، و در اصطلاح عبارت است از: مال، زمین و به طور کلی هر چیزی که رشد کند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۸۳).

۲. مادر: «انسان یا حیوان ماده داراری فرزند» (عمید، ۱۳۷۵، ص ۷۴۶)

۳. عفت: «عفت حالتی از حالت های نفس است که با وجود آن شهوت





نمی‌تواند بر نفس غلبه کند» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۷۳) «خودداری نفس از شهوات نفسانی و تمایلات غیر شایسته، در هر شخص و در هر مثنوی عفت نامیده می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۸۰) «عفت: انقیاد قوه شهویه، در مقابل امر و نهی عقل، همچون ازدواج و خوردن در حد اعتدال عقلی و عرفی است.» (نراقی، ۱۳۱۲، ج ۲، ص ۱۱۷)

جایگاه مادر از نظر قرآن کریم

با دقت در برخی آیات قرآن درمی‌یابیم که خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی علیه السلام، اظهار ارادت و نیکی عیسی علیه السلام به مادر، بیان زحمت‌ها و رنج‌های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر، همه گواه‌های جایگاه مادر است. خدای متعال در آیه ۱۴ سوره لقمان، پس از سفارش به احسان والدین، در آیه‌ای دیگر به رنج و زحمت‌هایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً: مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیربازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد. بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در تربیت فرزند، شریک است، دلیلی بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام

دهد. نکته مهم در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند نخست به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد. سپس بدون بیان زحمت‌های پدر، مشکلات و ناراحتی‌های مادر را بیان می‌کند. گویی مادر، عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او چنان ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می‌سازد. اگر نبود صبر و پایداری مادر در برابر سختی‌های دوران بارداری و پذیرش ناگواری‌های طاقت‌فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند، شاید این گونه قطعی و حتمی به احسان والدین به صورت مطلق حکم نمی‌شد. چنان که در قرآن کریم «مسئله نیکی به پدر و مادر با عبادت خدای متعال یکسان معرفی شده است» (اسراء: ۲۳).

جایگاه مادر در سنت پیامبر ﷺ

منظور از سنت پیامبر اعظم ﷺ، سخنان و منطق عملی و شیوه زندگی آن حضرت است. احترام به شخصیت و مقام مادر و رعایت حقوق وی در سیره نبی اکرم ﷺ به خوبی مشهود است. پیامبر اکرم در تبیین مقام مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»؛ بهشت، زیر پای مادران است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱ ج ۱، ص ۵۵۲). این حدیث به این معناست که بدون رضایت مادر، نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت. اگر کسی بخواهد به درجات عالی بهشت برسد، باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مقام مادر، شاید به دلیل زحمت‌هایی است که مادر می‌کشد. رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت‌فرسایی است که مادر با جان و دل تحمل می‌کند. طبیعی است که



خداوند در برابر بردباری مادر، پاداشی بی پایان به او عنایت می کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «روزی جوانی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. دوباره پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. برای مرتبه سوم پرسشش را تکرار کرد. پیامبر فرمود: به مادرت. جوان برای بار چهارم پرسید: پس از آن، به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر خدا فرمود: به پدرت» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۱ ج ۱، ص ۵۵۲). جایگاه مادر در این گفتار به روشنی مشخص است. اینکه حضرت سه بار به نیکی کردن به مادر دستور می دهد و بار چهارم به احسان به پدر سفارش می کند، بهترین گواه بر عظمت شأن مادر است. سیره و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مادر و دایه هایش که به نوعی حق مادری بر آن حضرت داشتند، نشان دهنده احترام ویژه ایشان به مقام مادر است. «به نقل از سیره نویسان، پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از سه روز از شیر مادرش ننوشید و پس از آن، بنا بر سنت عرب، به دایه سپرده شد و در دامن دایه هایی چون ثویبه، حلیمه و سعدیه پرورش یافت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همواره به یاد مادر و مادران رضاعی اش بود و از هر جهت به آنان کمک می کرد. ایشان پس از بعثت، فردی را فرستاد تا ثویبه را بخرد که کنیز ابوجهل بود، ولی ابوجهل حاضر به فروش وی نشد. با این حال، او تا آخر عمر از کمک های آن حضرت بهره برد. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مرگ ثویبه آگاه شد، بسیار اندوهگین گردید و آثار غم در چهره مبارکش نمایان گشت» (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۹).

سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله در احترام گذاردن بسیار به مادرش، آمنه رضی الله عنها، بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است. ایشان همواره از مادر گرامی اش یاد

می‌کرد و به زیارت مزارش می‌رفت. فیض در حدیثی از رسول خدا ﷺ آورده است: «احسان به مادر، دوبرابر احسان به پدر است... دعای مادر در حق فرزند، زودتر به اجابت می‌رسد. پرسیدند: یا رسول الله! چرا این گونه است؟ پیامبر ﷺ فرمود: «چون مادر، مهربان‌تر از پدر است» (کاشانی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۶). طبیعی است هر که مهر و علاقه‌اش به فرزند بیشتر باشد و بیشتر در حق وی نیکی کند، نزد خداوند عزوجل و رسول خدا ﷺ مقام بالاتری خواهد داشت. شیوه رفتاری پیامبر خدا با مادر برای همه مسلمانان الگویی ارزشمند است و در رفتار با مادر باید از سیره آن حضرت درس گرفت.

نقش مادر در تربیت دینی کودک پیش از تولد

الف) دعا برای داشتن فرزند صالح

نخستین دستوری که درباره زناشویی وارد شده، دعا برای به دست آوردن فرزند صالح است. معمولاً شوروشوق ازدواج و تشکیل خانواده، فرصت کمتری برای مناجات و دعا به زن و شوهر می‌دهد، ولی اگر آغاز زندگی مشترک، با دعا و خواسته‌های مشروعی مانند این همراه باشد، بی‌تردید، آینده درخشانی پیش روی این خانواده خواهد بود و فرزند صالحی روزی شان خواهد شد که خداوند می‌فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم» (غافر: ۶۰). چه دعایی بهتر از طلب فرزند صالح، که نام پدر و مادر را به نیکویی زنده نگه می‌دارد و سرمایه ارزشمندی برای آنان به شمار می‌آید. قرآن کریم از پیامبرانی یاد می‌کند که دعای آنان معطوف به این مسئله بوده است. در آیه‌ای از قرآن، حضرت زکریا عليه السلام برای اینکه خداوند به او فرزندی عنایت کند، این گونه دعا



می‌کند: «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً»؛ خداوند! از سوی خود، فرزند پاکیزه‌ای به من عطا فرما (آل عمران: ۳۵) خدای متعال، این دعای زکریا را پذیرفت و خطاب به او فرمود: «يَا زَكَرِيَّا! إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ: اِي زَكَرِيَّا! مَا تَوَرَّا بِهِ فِرْزَنَدِي بَشَارَتِ مِي دَهِيْمِ كِه نَامَشِ يَحْيَىٰ اسْتِ (مَرِيْمَ: ۷).

ب) بردن نام و یاد خدا

«یاد خدا در هر شرایطی مستحب است و ثوابی بر یادکننده آن مترتب می‌شود. از این رو، بهتر است هرکاری را با یاد و نام خداوند آغاز کرد. بنا بر سخن بزرگان دین، گفتن «بسم الله» هنگام معاشرت زن و مرد، برای پیش‌گیری از دخالت شیطان مؤثر است (دشتی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۶). یکی از زمان‌های حساس و سرنوشت‌سازی که آینده انسان در گرو آن است، زمان انعقاد نطفه است. اگر مرحله شکل‌گیری نخستین هسته وجودی کودک، بنا بر آموزه‌های اسلام و با یاد خدا صورت گیرد، در زندگی آینده خود دچار انحراف دینی نمی‌شود یا مشکل کمتری در این زمینه خواهد داشت وگرنه آینده خطرناکی در انتظار وی خواهد بود.

ج) پرهیز از آمیزش در کنار بچه‌ها

خودداری از انجام عمل زناشویی در کنار کودک، از دیگر آداب معاشرت خانوادگی است که دستورهای فراوانی از امامان معصوم علیهم‌السلام در این باره روایت شده است. در روایات بی‌شماری به آثار منفی انجام عمل زناشویی در محلی که بچه‌ای هر چند کوچک در آن حضور داشته باشد، اشاره شده است. امام

صَادِقُ الْكَلِمَاتِ به نقل از رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «سوگند به آن خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست، اگر مردی با همسرش آمیزش کند، در حالی که در خانه (اتاق)، بچه‌ای بیدار باشد که آنها را ببیند و سخن آنها را بشنود و نفس کشیدنشان را بفهمد، چنین کودکی هرگز رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد، زناکار و اگر دختر باشد، بدکاره خواهد شد».

یکی از دلایلی که احادیث اسلامی، انسان را به انجام عمل زناشویی به دور از بچه‌ها سفارش می‌کنند، شاید این باشد که کودک در سال‌های نخست زندگی از توان یادگیری بالایی برخوردار است. یکی از روش‌های یادگیری در روان‌شناسی، روش تقلید از راه مشاهده است که امروزه طرفداران بسیاری در علم روان‌شناسی دارد. به نظر آنان، یادگیری از راه مشاهده، روشی فطری و غریزی است که در انسان و حیوان وجود دارد و از هنگام تولد آن را به کار می‌گیرند و بخش زیادی از یادگیری انسان از این راه است. کودک نیز رفتار بزرگ سالان مانند راه رفتن، سخن گفتن و خندیدن را می‌بیند و از آنها به خوبی تقلید می‌کند. برای مثال، دختر بچه‌ای که می‌بیند مادرش در آشپزخانه آشپزی می‌کند، از وی تقلید می‌کند و همان کار را با موفقیت انجام می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۱۱).

د) تأثیر غذای مادر بر جنین

در آموزه‌های اسلامی، برای غذا، افزون بر منافع جسمانی، آثار و پیامدهای تربیتی روانی بسیاری بیان شده است. از این رو، خدای متعال در قرآن کریم، انسان را به دقت و تأمل در کیفیت غذایش فرا می‌خواند: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴)؛ انسان باید به غذای خویش با دقت بنگرد. «تنها چیزی که



بیش از همه توجه آدمی را به خود جلب می‌کند، غذایی است که برای ادامه زندگی خود از آن استفاده می‌کند و با یک دگرگونی فیزیکی شیمیایی، جزو بافت وجودی انسان می‌شود. بر همین اساس، خداوند سفارش می‌کند به آن چیزی که به عنوان خوراکی استفاده می‌کنید، نیک بنگرید که چگونه تهیه شده و از چه راهی به دست آمده است؛ زیرا نوع غذا از نظر حلال و حرام بودن، آثار مهمی در اعمال و رفتار انسان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۶، ص ۱۴۴). پیامبر خدا نیز فرمود: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»؛ هر کس لقمه حرامی بخورد، تا چهل شبانه روز نه نمازش پذیرفته می‌شود و نه دعایش به اجابت می‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۳ ص ۳۱۴) انسان، پس از تشکیل نخستین هسته وجودش؛ یعنی «نطفه» به تغذیه نیازمند است. مادر وظیفه تأمین غذا، حفاظت و مراقبت از جنین را بر عهده دارد و باید برای تأمین سلامت و رشد جنین بکوشد؛ زیرا رفتار و تغذیه مادر بر جسم و روح جنین اثر می‌گذارد و در چگونگی شکل‌دهی شخصیت وی نقش اساسی دارد. نقش تغذیه مادر در جسم و روح فرزند، از زمان انعقاد نطفه آغاز می‌گردد و تا پایان شیرخوارگی ادامه دارد.

نقش رفتاری مادر در تربیت دینی کودک

مادر، گذشته از نقش‌های عاطفی و شناختی، از نظر رفتاری نیز بر تربیت فرزند اثر می‌گذارد و شاید بتوان گفت: نقش رفتاری مادر، بیش از دیگر نقش‌های وی در شکل‌دهی شخصیت کودک مؤثر است. از یک سو، بسیاری از یادگیری‌های کودک در این دوره از زندگی، از راه حواس ظاهری انجام



می‌گیرد و از سوی دیگر، کودک، رفتار مادر و شیوه برخورد وی را با مسائل گوناگون به صورت ملموس و عینی می‌بیند. بنابراین، اثرپذیری کودک از رفتار مادر، بسیار بیشتر و عمیق‌تر از دیگران خواهد بود. با توجه به اهمیت موضوع، در اینجا لازم است به برخی از رفتارهای اثربخش مادر در تربیت دینی فرزند اشاره کنیم:

الف) ایمان به خدا

«عبادت‌ها و نیایش‌های مادر نقش بسزایی در پرورش روحی و معنوی فرزند دارد. اگر فضای حاکم بر زندگی کودک، فضای معنوی و پرستش و توجه به خدا باشد، بی‌تردید، کودکی که در آن فضا رشد می‌کند، انسانی با ایمان خواهد بود. در حقیقت، نخستین مدرسه‌ای که کودک در آن آموزش می‌بیند، محیط خانه است و تمام عوامل موجود در آن محیط، بر روح و روان و رفتار وی اثر می‌گذارد و اساس روحیه دین‌پذیری و کسب فضایل اخلاقی فرزند در محیط خانه شکل می‌گیرد.» (شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴). عبادت مادر در خانه، نوعی تمرین عملی و ارائه الگوبه فرزند است که ذهن آماده او را به خود جلب می‌کند و اثر آن سال‌ها در دل و ذهن او باقی می‌ماند.

در قرآن کریم، به موارد بسیاری اشاره شده است که کودکان و نونهالان، روحیه عبادت و دعا را از مادران خود به ارث برده و عبادت کردن را در عمل از آنان آموخته‌اند. «حنه همسر عمران و مادر مریم، از مادرانی است که پیش از ولادت فرزندش، با عبادت و توسل و دعا، از خدا فرزند می‌خواست و نذر کرد که فرزند او را در راه خدا و در کلیسا، خدمتگزار بندگان مومن باشد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۸۷).



وی این‌گونه دعا کرد که «خداوندا آنچه را در رحم دارم، برای تونذر کردم که محرر و آزاد برای خدمت به خانه تو باشد آن را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی. سپس وقتی فرزندش به دنیا آمد، وی را مریم نامید و دعا کرد که پروردگار، وی و ذریه‌اش را از وسوسه‌های شیطان نگاه دارد. خداوند نیز مریم را به نیکویی پذیرفت و نهال وجودش را به خوبی پرورش داد و کفالت او را به زکریا سپرد» (آل عمران: ۳۶، ۳۷). بی‌تردید، مریم بسیاری از فضایل اخلاقی و معنوی را در همان زمان طفولیت از مادرش فراگرفت. عبادت‌های شبانه مادر بر جسم و روح او اثر گذاشت و وی را به مقامی رسانید که زکریای پیامبر، مجذوب رفتار او شد و از خدا خواست که فرزندی صالح همانند مریم به وی عطا کند. خداوند هم یحیی را به او عنایت کرد. زکریا که سرپرستی مریم را بر عهده داشت، هرگاه نزد او می‌رفت، وی را در حال عبادت می‌دید.

ب) اهتمام به نماز اول وقت (اهتمام به واجبات)

نماز، مهم‌ترین وظیفه دینی و اسلامی مسلمانان است که خداوند، آنان را به ادای آن دستور داده است. هیچ عبادتی به اهمیت نماز نمی‌رسد. بر همین اساس، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أصلها عمود الدین إن قبلت قبلت ما سواها وإن ردت ردت ما سواها»؛ نماز، ستون دین است. اگر قبول شد، دیگر عبادت‌ها نیز پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، عبادت‌های دیگر نیز رد می‌شود (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲).

آیات قرآن و روایت‌های بی‌شماری، مبین اهمیت نماز است و ادای این فریضه دینی در زمان معین و اول وقت بسیار اهمیت دارد. خواندن نماز اول

وقت ارزش بسیاری دارد، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «أوصیک یا بنی بالصلاة عند وقتها»؛ فرزندم! تو را به خواندن نماز اول وقت سفارش می‌کنم (بهبودی، ۱۳۷۵، ج ۷۵، ص ۴۵۸). سفارش و تأکید درباره کودک این است که پدر و مادر باید آنها را از کودکی به نماز خواندن تشویق کنند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «أدب صغار أهل بیتک بلسانک علی الصلاة و الطهور»؛ فرزندان کوچک را با زبان خود، به نماز و وضو عادت دهید. (ورام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۵۸).

باتوجه به این روایت، کودکان را باید با زبان کودکانه به نماز فراخواند، به گونه‌ای که توان درک آن را داشته باشند، نه با زبان پیچیده یا پرخاشگرانه. در احادیث دیگری آمده است در سنین معینی مانند شش و هفت سالگی باید فرزندان را به نماز خواندن دعوت کرد، چنان که پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مرؤا صبیا نکم بالصلاة إذا کانوا أبناء ست سنین»؛ فرزندان خود را در شش سالگی به خواندن نماز دستور دهید (نوری، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

نکته قابل توجه در این گونه آیات و روایات این است که خطاب‌ها و دستورهای شرعی هر چند به صیغه مذکر آمده و خطاب به مردان است، ولی به مردان منحصر نیست، بلکه شامل مرد و زن می‌شود و مادر نیز همانند پدر، مأمور به اجرای آن وظایف است. بنابراین، مادر نباید نسبت به تکالیف دینی و عملی فرزند بی‌توجه باشد، بلکه باید با تربیت صحیح و مناسب، او را به عبادت علاقه‌مند کند. از نظر روانی تربیتی، بهترین روش برای ایجاد و تقویت انگیزه عبادت در فرزند، استفاده از روش عملی و الگویی است. این روش، به طور غیرمستقیم در فرزند اثر می‌گذارد. اگر مادر، به خواندن نماز اول وقت اهمیت دهد و همواره در برابر



چشمان کودک سروقت نمازش را بخواند، به یقین، بر روح و روان کودک اثر می‌گذارد و وی را به این کار علاقه‌مند می‌کند؛ بدون اینکه امر و نهی یا اجباری در کار باشد.

ج) دعا برای فرزندان

دعا و مناجات به پیشگاه خداوند و اظهار نیاز و تضرع به درگاه آن وجود مطلق و قادر لایزال، وظیفه هر انسان موحد و خداشناسی است و باید از این راه خود را به خالق خویش نزدیک سازد و از او کمک بجوید. اگر پدر و مادر، در دل شب و سحرگاهان از خواب نازدل برکنند و وضوکنند و سجاده نماز بگسترانند و دست به دعا بردارند، فضای خانه از رازونیا آنان معطر می‌گردد و این کار آثار معنوی بسیاری بر فرزندان خواهد داشت. مادر می‌تواند با دعاهای نیمه شب خود، دل کودک را آماده پذیرش حقایق و جسم و روح وی را مشتاق عبادت و پرستش سازد. مادر موسی علیه السلام، از جمله زنانی است که خداوند به طور مستقیم به او وحی کرده است. خداوند خطاب به وی می‌فرماید: «وَأوحینا إلی أم موسی أن أرضیعیه فإذا خفت علیه فألقیه فی الیم ولاتخافی ولاتحزنی إنا رادوه إلیک وجاعلوه من المرسلین»؛ و به مادر موسی وحی کردم که فرزند را شیربده و چون بترسی که فرعونیان آسیبی به او برسانند، وی را به دریا بیفکن و نترس و اندوه به خود راه مده که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و از پیامبران قرارش می‌دهیم (قصص: ۷). از این رو، مادر موسی علیه السلام با وجود علاقه شدید به فرزندش، وی را به امواج رود نیل سپرد، ولی از رحمت خدا ناامید نشد، بلکه امیدوار به وعده الهی، به دعا و نیایش در پیشگاه خدای متعال پرداخت و



خداوند هم بنا بر وعده‌ای که به وی داده بود، در ماجرای، موسی را در اختیار آسیه، همسر فرعون قرارداد و او مانع از کشتن وی شد. آن گاه هرزنی را برای شیر دادن موسی علیه السلام آوردند، وی شیر ننوشید تا اینکه دوباره در آغوش پرمهر مادر قرار گرفت و از شیر مادر خورد و در امان او بزرگ شد (قصص: ۸ تا ۱۳). مادر موسی علیه السلام با عبادت‌ها و راز و نیازهای خود توانست فرزندی همانند موسی کلیم الله علیه السلام تربیت کند و او را چنان پرورش دهد که شایسته مقام نبوت و پیامبری گردد.

د) همراه بردن کودک به اماکن مذهبی

همراهی با کودک در اماکن مذهبی مثل مسجد، امامزاده و... تأثیر به‌سزایی در رشد رفتاری کودک و تربیت دینی وی دارد و بسیاری از احکام دینی خود را در عمل و رفتار دیگران می‌آموزد.

از کاربردهای مهم مسجد که بر دیگر کاربردهای آن غلبه دارد، نقش عبادی آن است، به گونه‌ای که هر جا نامی از مسجد به میان آید، بیشتر نقش عبادی آن تداعی می‌شود. بلند شدن صدای اذان از بلندگوی مسجد، بیانگر فرارسیدن وقت نماز است و مؤمنان با شنیدن اذان، برای اقامه نماز به مسجد روی می‌آورند. حرکت زن و مرد، کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر هنگام فرارسیدن وقت نماز به سوی مساجد، صحنه‌های زیبا و دیدنی را می‌آفریند که برای هر انسان مؤمن و خداجویی لذت‌بخش است. همراه بردن کودکان و نونهالان به مسجد و شرکت دادن آنها در نماز جماعت، آنها را به برپایی آموزه‌های دینی و اسلامی، به ویژه نماز جمعه و جماعت تشویق و علاقه‌مند می‌کند.



مادر می‌تواند با بردن فرزندان به مسجد و شرکت دادن آنان در مراسم اسلامی و مذهبی، میل و رغبتشان را به دین و قرآن افزون سازد. بردن کودکان به مسجد آثار مثبت بی‌شماری بر آنها دارد. از جمله اینکه آنها با نماز خو می‌گیرند و دیدن رکوع و سجود نمازگزاران در روحشان اثر می‌گذارد. افزون بر این، بسیاری از احکام و معارف دینی را می‌آموزند و به ذهن می‌سپارند و تا پایان عمر زیاد نمی‌برند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

۵) بزرگداشت مقام اهل بیت در مناسبت‌ها

گریستن بر مصیبت‌های اهل بیت علیهم‌السلام، آثار فراوان فردی و اجتماعی بر انسان دارد. شرکت در عزای اهل بیت علیهم‌السلام، وظیفه‌ای دینی و مذهبی است که پی‌آمدهای دنیوی و اخروی بسیاری دارد. از این رو، در روایات اسلامی بسیار بر آن تأکید شده است. بردن کودکان به مجالس عزای اهل بیت علیهم‌السلام، افزون بر اینکه آنها را با فضاهای معنوی و اجتماعی آشنا می‌سازد، از جنبه تربیتی نیز آثار ارزشمندی بر روح و روان آنان دارد. با شرکت در این محافل، احکام و معارف دینی و اشعار و مراثی درباره اهل بیت علیهم‌السلام خود به خود به قلب و ذهن کودک نفوذ می‌کند و در قلب وی ماندگار می‌شود.

مادر، بهترین کسی است که به خوبی می‌تواند از عهده این کار برآید و با بردن فرزند به مجالس مصیبت و عزای اهل بیت علیهم‌السلام و آشنا ساختن کودک با خاندان پیامبر خدا، تربیت دینی آنان را نیز تقویت کند. فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز پس از رحلت پدر بزرگوارش، حسنین علیهم‌السلام را به مسجد پیامبر، مزار شهدای احد در بقیع و مزار حمزه در دامنه کوه احد می‌برد (محدثی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۲، ۱۳۱).

رفتارهای مادر در موارد مختلفی که ذکر شد، نقش بسیاری در تربیت کودکان از جمله تربیت دینی آنها دارد؛ زیرا اثرپذیری آنها در دیدن عمل بزرگ‌ترها خیلی بیشتر از توصیه‌ها به صورت حرف زدن و عمل نکردن است و نتیجه بهتری دارد.

برخی از نقش‌های ویژه تربیتی مادران نسبت به دختران

الف) توجه به روحیه حساس فرزند دختر

همان گونه که زن از نظر جسمی از مرد، لطیف‌تر و ظریف‌تر است، از نظر روحی و روانی نیز عاطفی‌تر و احساسی‌تر است. شاید عاطفی بودن زنان با جنبه فیزیولوژیکی آنان بی‌ارتباط نباشد؛ زیرا ساختار وجودی زن این گونه شکل گرفته است. ساختمان درونی و دستگاه مغز و اعصاب زن به گونه‌ای است که برای مهرورزی و جلب محبت دیگران آمادگی بیشتری دارد (قائمی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱). اسلام نیز این ویژگی زنان را تأیید و به آن توجه کرده است، چنان که امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی بر زنان، مهربان‌تر از مردان است. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله به پدران و مادران سفارش می‌کند: هرگاه وارد بازار شدید و هدیه‌ای برای اهل خانه خریدید و خواستید آن را میان اعضای خانواده تقسیم کنید، نخست به دختران بدهید.» (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۰۴)

از این رو، بر همه اولیا و مربیان لازم است به این مسئله توجه کنند و نیازهای عاطفی دختران را به شیوه درست و از راه‌های صحیح برآورده سازند. مادر در این امر نیز نقش بسیار مهمی دارد و می‌تواند با مهر و محبت مادری نیازهای عاطفی دختر را تأمین کند تا وی در محیط خانه، احساس کمبود عاطفی نکند. اگر مادر با





بی‌مهری و بی‌توجهی با دختر رفتار کند، بی‌تردید، برای ارضای نیازهای عاطفی خود به مکان‌ها و افراد دیگری روی می‌آورد که پی‌آمد جبران‌ناپذیری خواهد داشت. همان‌گونه که می‌دانید، علت اصلی فرار دختران، بی‌توجهی پدر و مادر به عواطف آنهاست. مادران باید با محبت کردن به دختران، از بروز این‌گونه رفتارهای نامناسب و ضداخلاقی در آنها جلوگیری کنند و با عطف و مهربانی هر چه بیشتر، دل آنان را به دست آورند و ارزش‌های دینی را در قلب و روحشان مستقر سازند.

ب) تقویت روحیه عفاف در دختران

مهم‌ترین مصداق عفت، کنترل شهوت و غرایز جنسی است. این مسئله در مورد زنان و دختران از اهمیت اجتماعی بسیار بالایی برخوردار است و آنان به مراتب بیش از مردان باید مراقب عفاف و پاک‌دامنی خود باشند. یکی از مصادیق مهم عفت و پاک‌دامنی دختران، حفظ حجاب و رعایت شئونات اسلامی در برخورد با نامحرمان است. مادران مؤمن و متدین در این زمینه نقشی کارساز دارند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت عفت و پاک‌دامنی دختران و رعایت حریم اسلامی از سوی آنان، پی‌آمد دین‌مداری و عفت مادران است. از سوی دیگر، حجاب موجب تقویت عفت و مصونیت زنان از آلودگی‌های فردی و اجتماعی می‌شود. از این رو، رابطه‌ای دوسویه میان عفت و حجاب برقرار است.

رعایت عفت و پاک‌دامنی، برای زنان و دختران اهمیتی ویژه دارد، چنان که پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «خیر نسائکم العفیفة»؛ بهترین زنان شما، زنان



عفیف و پاک دامن هستند (عاملی ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۵). زنان و دختران به دلیل احساسات و عواطفی که دارند، آسیب پذیرتر از پسران اند و اگر عفت را رعایت نکنند و به خودنمایی بپردازند، فضای اجتماع را به سرعت آلوده خواهند کرد. مادر باید هم خود عامل به عفت و هم مبلغ آن باشد؛ یعنی اینکه خود با عفت و حیا زندگی کند و ارزش پاک دامنی و حیا را به دخترش نیز بیاموزد.

ج) سیراب کردن از محبت و احترام فرزند دختر

مادر در احترام گذاشتن به دختر از هر کسی سزاوارتر است؛ زیرا او هم از نظر عاطفی و روانی، عواطف و احساسات دختر را به خوبی درک می کند و هم درباره ویژگی های او شناخت کاملی دارد. رفتار محبت آمیز و همراه با احترام مادر، در شکوفایی شخصیت دختر بسیار مؤثر است و موجب می شود وی وقار و شخصیت خود را حفظ کند. به عکس، رفتار تحقیر آمیز و همراه با اهانت مانند بددهانی، دشنام، استهزا، عیب جویی و مانند آن سبب می شود دختر ضعیف و بی شخصیت باریاید. بنابراین، همه اطرافیان دختر به ویژه مادر، باید احترام او را حفظ و از هرگونه بی احترامی به وی پرهیز کنند (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

باتوجه به موارد یاد شده مادر باید توجه ویژه ای به روحیه حساس فرزند دختر و همچنین در تقویت روحیه عفت و پاک دامنی وی کوشا باشد و آن قدر فرزند خویش را از احترام و محبت سیراب کند که هیچ گونه کمبودی احساس نکند که در غیر این صورت به دنبال رفع نیازهای خود در بیرون از چارچوب خانواده خویش می گردد و اثرات مخربی را به بار می آورد و عفت و پاک دامنی خود را از دست می دهد.



د) آموزش احکام به دختران

از جمله وظایف مادر آموزش احکام مربوطه به جنس دختر است تا وی را با وظایف خویش آشنا کند و همین طور نکات مربوط به جنس دختر را برای وی بیان نموده تا با آگاهی کامل به واجبات عمل نموده و از محرمات دوری نماید. «مادر می تواند مسائل و احکام دینی مورد نیاز دخترش را به وی آموزش دهد. از هرگونه سخت گیری در این زمینه پرهیز کنند و از روش تعامل و تشویق و ترغیب بهره گیرند» (صداقت فر، ۱۳۹۷، ص ۱۹۱).

ه. احکام مشترک

احکام مشترک دینی میان مادر و دختر فراوان است، مانند احکام مربوط به عادت ماهیانه، زایمان و زناشویی که مادر باید آنها را به دختر آموزش دهد. از این رو، به مادران سفارش می شود که مسائل مورد نیاز دختران را از سال های نخست زندگی به آنها بیاموزند و آنها را از جوانی با امور زندگی آشنا سازند. دختر زودتر از پسر به سن تکلیف می رسد. از این رو، به آموزش های ویژه ای نیاز دارد. احکام عملی ویژه زنان و دختران را باید پیش از ابتلای به آن به دختران آموزش داد تا هنگام روبه روشن شدن با آن مسائل، از نظر شرعی و روانی مشکلی برایشان پیش نیاید. بسیاری از دختران بر اثر بی خبری و ناآگاهی از عادت ماهیانه و تحولات روحی روانی ناشی از آن، هنگام ابتلا بدان دچار اضطراب و پریشانی روانی و گرفتار عوارضی چون بیماری خواهند شد که این مشکل، با تربیت و آموزش به موقع وظایف دینی به راحتی قابل پیشگیری خواهد بود. بنابراین، دختران به دلیل ویژگی های فردی و اجتماعی خاص نیاز به تربیت و

آموزش‌های ویژه‌ای دارند و باید به این ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی، در اجرای فرایند تربیت توجه شود» (احسانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹).

آموزش به موقع احکام به دختران باعث تقویت روحیه وی و کنترل هیجانات و استفاده آن هیجانات در راه‌های درست می‌شود که نتایج مثبت زیادی به همراه دارد از جمله دوری از اضطراب و استرس وی می‌گردد و با آرامش بیشتری به واجبات الهی عمل می‌نماید و تربیت دینی فرزند دختر را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

جایگاه و مقام زن به عنوان مادر در اسلام بسیار بالاست، به طوری که بیشترین وظیفه تربیت فرزند صالح بر عهده مادران می‌باشد. یکی از تربیت‌هایی که نقش بسیاری در تربیت دیگر فرزندان دارد، تربیت دینی آنها است. تربیت دینی کودک از جمله فرزند دختر بخش عمده و زیادی از آن بر عهده مادر است؛ زیرا با وی اشتراک‌های جنسی دارد و فرزند دختر را بهتر می‌تواند در زمینه دینی تقویت نماید.





منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالبیروت ۶۳۰ ق
- ۲- احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۷
- ۳- برقی، احمد بن احمد، المحاسن المجلد، قم، مجمع عالمی اهل بیت (ع)، ۱۳۷۴
- ۴- بهبودی، محمدباقر، بحالانوار، بیروت، موسسه الوفاء بیروت، ۱۳۷۵
- ۵- دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، چ نهم، ۱۳۷۸
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت لبنان، دارالشامیه، ۱۴۱۲
- ۷- سید محمدی، یحیی، روانشناسی یادگیری، تهران، نشر روان، ۱۳۸۲
- ۸- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰
- ۹- خسروی، حسینی، غلامرضا، ترجمه مفردات الفاظ قرآن راغب، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳
- ۱۰- صداقت فر، فریبا، نقش مادر در تربیت فرزندان، انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸
- ۱۲- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مکتب المرتضویه، ۱۴۰۹
- ۱۳- عاملی، محمد بن حسن، وسائل شیعہ، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲



- ۱۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیرکبیر، ۱۳۷۵
- ۱۵- فیض کاشانی، ملامحسن، ج ۳، الطریق النجات، ترجمه رضا حبیبزاده، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۱
- ۱۶- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، چ دوم، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴
- ۱۷- قریشی بنایی، علی اکبر، قاموس قران، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۰۷
- ۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۱
- ۲۰- مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، محمدحسین کوشان پور، ۱۴۰۴
- ۲۱- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
- ۲۲- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۲
- ۲۳- محدثی، جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، جلد ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۲۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳
- ۲۵- نوری، میرزا حسین محدث، مستدرک الوسائل، جلد ۱۵، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴
- ۲۶- نراقی، ملامهدی، جامع السعادت، انتشارات چاپ سنگی، ۱۳۱۲
- ۲۷- ورام بن ابی فراس، ابولحسین، مجمعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵